

جناب مسجون در سبیل حضرت قیوم ابن ابهر علیه بهاء الله الأبھی ملاحظه نمایند

هو الأبھی

ای اسیر غل و زنجیر فی سبیل الله در سحرگاهان که قلب فارغ و جان شائق و لسان ناطق و روح متضرع و فؤاد مبتهل و نفحات ملکوت ابھی متضوع بیاد تو افتم و بذکر و فکر تو پردازم چون تصور اغلال بر آن گردن ضعیف و نحیف کنم سیل سرشک برخیزد و چون تخطر کند وثیق بر آن پای شریف نمایم آتش احزان شرر انگیزد و چون محل تنگ و تاریک بخاطر آید فغان از دل و جان برآید و چون بحقیقت نگرم آن سلاسل را رسائل ملکوت اعلی یابم و آن طوق حدید را شوق جدید افق ابھی بینم و آن کند و زنجیر را خلاخل جواهر بی نظیر مشاهده کنم هیچ میدانی که بچه افسری سرفرازی و بچه موهبتی دمساز در بلا شریک و سهمیم جمال مبین شدی و در حبس انیس ربّ قدیم آن زندان وقتی مسکن و سجن جمال رحمن بود و آن محل مکان ملیک لامکان علی العجاله تو باین الطاف و عنایت مخصوصی و ما مهجور و مأیوس طوبی لک من هذا الفضل المبین بشری لک من هذا الجود العظیم و فرحاً لک من هذا الفوز الکبیر و سروراً لک من هذا العرس الباهر الکریم ع ع آنچه ارسال فرموده بودید رسید سبحان الله حتی در سجن در فکر انفاقید آنان که آزادند باید در انفاق بر مسجونین کوشند لکن این حال معلومست که بچه درجه احبای الهی در بحر انقطاع مستغرق و بلوازم فدای مال و جان قائم ع ع

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۷ اکتبر ۲۰۲۱، ساعت ۲۰:۰۰ بعد از ظهر